

یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی و سیاست‌های توسعه شهری ایران معاصر*

امین مقصودی

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۰۵

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۸/۰۶/۳۱

چکیده | شهرهای تاریخی عموماً محصول نوعی مشارکت بین عامه مردم و دستگاه حکومت بوده‌اند. در دوران تاریخی به‌دلیل همخوانی جهان‌بینی بخش عامه و طبقه قدرتمند جامعه، تفاوت چشمگیری در بین سلیقه و نگاه آنها وجود نداشته است و در نتیجه، تصمیمات و اقدامات این دو گروه نسبت به شهر به نوعی هماهنگی پایدار منتهی می‌شد. اما با ظهور مدرنیته در جامعه ایرانی، میان دستگاه قدرت و طبقه عامه نوعی شکاف در دیدگاه‌ها پدید می‌آید که به شکل‌گیری رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه در ارتباط با سیاست‌های شهرسازی منتهی می‌شود. در دوره قاجار این سیاست‌ها عمدتاً به فضاهای حکومتی محدود است اما از دوره پهلوی این سیاست‌ها به تغییرات در بافت‌های مسکونی شهری منجر می‌شود بدون آن‌که به نقش مردم در این فرایند توجه شود. این نوشتار به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه رابطه‌ای بین ظهور مدرنیته و یک‌جانبه‌گرایی در جامعه ایرانی و تأثیر آن بر سیاست‌های شهرسازی در برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای کشور وجود دارد؟ این پژوهش توصیفی-تبیینی تلاش خواهد نمود که با تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده به روش کتابخانه‌ای، رابطه حکومت به عنوان بخش نخبه جامعه را در ارتباط با عامه مردم، قبل و بعد از ظهور مدرنیته بررسی کرده و از این طریق چرایی شکل‌گیری رویکردهای یک‌جانبه‌گرایانه نسبت به سیاست‌های توسعه شهری را بحث نماید. در ادامه، این نوشته سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه توسعه بافت‌های مسکونی را در دوره‌های تاریخی بعد از ظهور مدرنیته بررسی خواهد کرد تا این فرضیه را اثبات نماید که سیاست‌های پیگیری شده در بحث توسعه شهری در دوره‌های مختلف به دلیل فقدان ساختارها و نهادهای دموکراتیک به نوعی متکی بر یک نگاه یک‌جانبه‌گرایانه و بدون مشارکت مردم بوده‌اند.

واژگان کلیدی | مدرنیته، یک‌جانبه‌گرایی، جهان سنت، سیاست‌های توسعه شهری.

در این بین، نقش حکومت به عنوان دستگاه قدرت در پدید آمدن شهرها معمولاً به نحوی بود که فضاهای شاخص شهری و نقاط عطف و زیرساخت‌های اساسی شهری که تصویر کلی شهر را ترسیم می‌نمودند، براساس ویژگی‌های طبیعی و نشانه‌های تاریخی احداث می‌کردند و در ادامه این خود مردم بودند که توسعه و گسترش بافت مسکونی شهری را انجام می‌دادند. از همین رو به ندرت می‌توان شهری یافت که به صورت تحمیلی بر مردم پدید آمده و

مقدمه | شهرهای تاریخی ایران عمدتاً با مناظر ارگانیک خود که به صورت طبیعی رشد یافته‌اند، شناخته می‌شوند. تا دوره صفویه و قبل از آن، عامه مردم براساس نیازهای زندگی خود، بستر جغرافیایی و شرایط اقلیمی، در شکل‌گیری بافت‌های مسکونی شهرها نقش کلیدی ایفا می‌کردند.

نویسنده مسئول: amin6maghsudi@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۶۳۳۴۶۳۷۶

در مورد شهر به‌صورت مستقل از مردم و یک‌جانبه سیاست‌هایی را ارائه می‌دهند. از همین‌رو این پژوهش به‌دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چرا از دوره قاجار به بعد یک‌جانبه‌گرایی از سمت طبقه نخبه جامعه و بی‌توجهی به نقش عامه مردم در سیاست‌گذاری‌ها رواج پیدا می‌کند؟ و تأثیر این یک‌جانبه‌گرایی بر سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه شهرسازی را به چه صورت می‌توان تفسیر نمود؟

فرضیه این پژوهش بر این نکته استوار است که از دوره قاجار و با ظهور مدرنیته و تأثیرات آن بر طبقه نخبه، جامعه ما شاهد نوعی رابطه غیردموکراتیک بین دستگاه حکومت و طبقه عامه است که این رابطه، به شکل‌گیری سیاست‌گذاری‌های یک‌جانبه‌گرایانه نسبت به شهر و شهرسازی در دوره‌های مختلف تاریخی منتهی می‌شود و در نتیجه آن، نقش مردم در توسعه بافت‌های مسکونی نادیده گرفته می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به‌صورت توصیفی-تبیینی در نظر گرفته شده است تا از طریق جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای، ابتدا چگونگی رابطه حکومت به عنوان بخش نخبه جامعه با عامه مردم در جهان سنت را تبیین نماید. در گام بعدی، این پژوهش براساس فرضیه خود تلاش می‌کند که چگونگی تأثیرات مدرنیته را بر بخش نخبه جامعه از زمان ظهور خود در دوره قاجار و نیز در دوره‌های بعد از آن بررسی کند و اثبات نماید که تأثیرات مدرنیته بر بخش نخبه جامعه به تضعیف حق مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه و نوعی یک‌جانبه‌گرایی منتهی می‌شود. در ادامه، این نوشته برای اثبات فرضیه خود، سیاست‌های اتخاذ شده در دوره‌های مختلف در زمینه توسعه بافت شهری را بررسی خواهد کرد. از دوره قاجار اولین تأثیرات مدرنیته بر شهرسازی ایران ظهور می‌کند اما این تغییرات عمدتاً به فضاهای حکومتی منحصر می‌شوند، در حالی که نخستین سیاست‌گذاری‌ها در ارتباط با توسعه بافت شهری از دوره پهلوی و در غالب برنامه‌های عمرانی ارائه می‌شود. این سیاست‌ها در دوران پس از انقلاب نیز در چارچوب برنامه‌های توسعه پیگیری می‌شود. از همین‌رو این پژوهش توجه خود را به سیاست‌های اتخاذ شده در این دو دوره معطوف می‌کند تا تأثیر یک‌جانبه‌گرایی، عدم توجه به حق بیان و مشارکت عامه مردم نسبت به این سیاست‌ها را آشکار نماید.

توانسته باشد ساختار و پایداری خود را در طول تاریخ حفظ کرده باشد. به‌طورمثال در زمان حکومت ایلخانیان، الجایتو حاکم ایلخانی بدون در نظر گرفتن نقش مردم و به‌صورت یک‌جانبه شهر سلطانیه را برپا می‌کند که بعد از مدتی این شهر متروک می‌شود و زوال و نابودی در پیش می‌گیرد (پیرنیا، ۱۳۹۲، ۱). بنابراین می‌توان نوعی ارتباط دوطرفه بین مردم و حکومت، در پدید آمدن شهرهای سنتی، توسعه و پایداری آنها متصور بود.

این ارتباط بین مردم و حکومت در شهرسازی، از دوره قاجار به بعد با نوعی گسست و انقطاع همراه می‌شود. در این دوره با ورود مدرنیته به جامعه ایرانی شاهد آن هستیم که حکومت به‌طور مستقل از مردم اقداماتی در زمینه شهرسازی اتخاذ می‌کند. در دوره قاجار این اقدامات عمدتاً به فضاهای اختصاصی و تحت کنترل حکومت معطوف می‌شود؛ اما از دوره پهلوی به بعد، با توجه به شرایط و نیازهای حاکم بر کشور، طبقه نخبه با رویکردی آینده‌نگرانه سیاست‌های توسعه شهری را ترسیم می‌کند که به‌طور مشخص بافت‌های مسکونی شهری را مورد توجه قرار می‌دهد. در دوره پهلوی و به‌خصوص بعد از سال ۱۳۳۵، شاهد روند مهاجرت به شهرها و ایجاد بافت‌های حاشیه‌ای شهری هستیم که بعدها به عنوان بخشی از شهر پذیرفته می‌شوند، برای مقابله با این روند سیاست‌هایی مبتنی بر ایجاد شهرهای جدید و یا احداث واحدهای مسکونی در مقیاس کلان به‌منظور مدیریت جمعیت شهرنشین توسط حکومت و به‌طور مستقل از مردم مورد توجه قرار می‌گیرند. با وقوع انقلاب اسلامی به دلایلی مانند رشد جمعیت کشور، ادامه روند مهاجرت به شهرها و همچنین جنگ تحمیلی و نیاز به بازسازی، سیاست‌های توسعه شهری همچنان در کشور ادامه می‌یابد که در نتیجه این سیاست‌ها، روند تکامل تدریجی شهرها توسط مردم خدشه‌دار می‌شود و نقش مردم در توسعه شهر به تدریج کمرنگ می‌شود و طبقه نخبه به عنوان بخش قدرتمندتر جامعه نقش پررنگ‌تری را در این زمینه ایفا می‌کند.

بیان مسئله و فرضیه پژوهش

همان‌گونه که بیان شد، تا قبل از دوره قاجار، مردم در شکل‌گیری شهرها و رشد و توسعه بافت مسکونی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. به آن معنا که مردم از حق بیان و مشارکت در مورد شهر برخوردار بودند. اما از دوره قاجار با ظهور مدرنیته، حضور مردم در فرایند شهرسازی به تدریج کمرنگ‌تر می‌شود و در نقطه مقابل، این حکومت‌ها و طبقه نخبه هستند که در دوره‌های تاریخی مختلف

پیشینه پژوهش

مدرنیته و تأثیرات آن بر معماری و شهرسازی ایران همواره یکی از موضوعات مورد علاقه محققان ایرانی بوده است. از برجسته‌ترین آثار در این زمینه می‌توان به نوشته «مدرنیته و تأثیر آن بر طراحی معماری و شهرسازی ایران» نوشته صارمی (۱۳۷۴) اشاره نمود که به تأثیر تجددگرایی بر جریان‌های معماری و شهرسازی ایران می‌پردازد. در همین راستا بحرینی (۱۳۹۴) در کتاب «تجدد، فراجدد و پس از آن در شهرسازی»، مقدمات مبانی نظری تجدد و مدرنیته را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و سپس با بررسی تأثیر آن در دوره‌های بعدی، نتیجه آن را بر شهرسازی مشخص می‌کند. همچنین بانسی مسعود (۱۳۹۴) در کتاب «معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته» به مواجهه ایرانیان با عالم جدید و تأثیر آن در معماری ایران از دوره قاجار، تا سه دهه بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد. علی‌رغم پژوهش‌های ارزشمند در باب مدرنیته و تأثیرات آن بر معماری و شهرسازی ایران، هرگز به رابطه مدرنیته و یکجانبه‌گرایی و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری کلان در حوزه شهر و شهرسازی توجه نشده است. از همین رو، این نوشته سعی می‌کند که با پرداختن به این موضوع، دستاوردهای جدیدی در این باب ارائه دهد تا توجه مسئولان و متخصصان مرتبط با امر شهرسازی را به مفهوم مشارکت و جایگاه آن در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های کلان در این حوزه جلب کند.

مدرنیته و یک‌جانبه‌گرایی در جامعه ایرانی

مدرنیته به‌مثابه یک دوران تاریخی به عصری گفته می‌شود که خردگرایی و فردگرایی به معنی فلسفی کلمه ظهور پیدا می‌کند (آقاجری، ۱۳۸۰، ۳) و با آغاز آن نظام‌های ارزش‌گذاری و اخلاقی که در جهان سنت به نوعی از همگرایی در بین طبقه نخبه و عامه جامعه منجر می‌شد، دست‌خوش تغییرات اساسی می‌شود. جامعه سنتی ایران در دوره قاجار به تدریج تحت تأثیر جریان مدرنیته در کشورهای غربی قرار می‌گیرد که در اثر آن تغییرات فراوانی را تجربه می‌کند. در این دوره، رشد و توسعه ناشی از مدرنیته در کشورهای اروپایی برای طبقه نخبه جامعه بسیار چشمگیر می‌آید؛ از همین رو بر آن می‌آیند که جریان مدرنیته را به جامعه سنتی آن روزهای ایران وارد کنند (قبادیان، ۱۳۸۳، ۴۳). در دوره قاجار جامعه ایرانی به شدت متکی به ساختارهای جهان سنت است؛ از همین رو تغییرات ناشی از مدرنیته در بیشتر مواقع با فرهنگ و اندیشه عامه مردم هم‌خوانی ندارد از همین رو بخش اعظم جامعه

در این دوران همچنان بر طبق رسومات و ذهنیات گذشته خود به زندگی ادامه می‌دادند. به‌طورمثال علی‌رغم تمام تلاش‌های نخبگان جامعه جهت وارد کردن مظاهر مدرنیته مانند پوشش جدید، خیابان، اتومبیل و کافه و تغییر سبک زندگی، بخش عمده‌ای از عامه مردم در این دوره کماکان در خانه‌های خشتی و گلی خود زندگی می‌کنند (همان، ۴۴). به عبارت دیگر باید این‌گونه بیان کرد که در این دوره طبقه نخبه براساس این اندیشه که از برتری نسبت به عامه برخوردار است و آنچه او مناسب می‌پندارد، می‌تواند برای همه مردم جامعه ارزشمند باشد، تلاش می‌کند بر مبنای تصمیمی یک‌جانبه، مدرنیته را به جامعه سنتی ایران وارد کند. این تضاد بین سیاست اتخاذ شده توسط طبقه نخبه برای تغییر جامعه سنتی و رفتار عامه مردم را می‌توان به عنوان اولین نشانه‌های یک‌جانبه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های کلان پس از ظهور مدرنیته و نادیده انگاشتن خواست مردم و حق آنها برای انتخاب و بیان در نظر گرفت. به همین دلیل باید اذعان نمود که نطفه مدرنیته در جامعه ایرانی از همان ابتدا با استبداد رأی نخبگان جامعه بسته و سبب ایجاد نوعی جزمیت در بین نخبگان جامعه می‌شود. در دوران پهلوی پاره‌ای از تحولات سیاسی و نظامی مانند اشغال متفقین، برکناری رضاخان و سقوط دولت مصدق و همچنین تحولات اقتصادی مانند مبادله نفت با کالا و تحولات فرهنگی، منجر می‌شود تا حکومت پهلوی و سران آن متقاعد به برتری مدرنیته غربی شوند و تلاش کنند که با اجرای برنامه‌های مدرنیزاسیون در کشورداری، نوگرایی مدرنیته را به بدنه جامعه تسری دهند. این تلاش در دوران پهلوی از دو منظر ادامه پیدا می‌کند، یکی از منظر نقش تازه‌ای که حکومت برای خود قائل می‌شود و دیگری چشم‌اندازی که برای توسعه و آینده کشور در نظر می‌گیرد (طالبیان، حجت و فرضیان، ۱۳۹۳). در این دوره حکومت با هدف تشکیل یک دولت متمرکز و قوی (علوی‌پور، ۱۳۹۵، ۱۴۲) در نقش روزی‌بخش و درعین حال تصمیم‌گیرنده تمام امور ظاهر می‌شود که این نقش با شروع برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی حکومت از سال ۱۳۲۷ به تدریج پررنگ‌تر می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۳، ۱۵۳). با توجه به این شرایط، طبقه نخبه جامعه در این دوره خود را به عنوان قیّم مردم در نظر می‌گیرد که بایستی برای تمام ابعاد زندگی آنها تصمیم‌گیری نماید. این نگاه که بر تمام سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور تأثیر می‌گذارد باید به نحوی در ادامه همان یک‌جانبه‌گرایی متصور بود که از دوران قاجار آغاز شده بود و در نتیجه آن مشارکت مردم و حق بیان و انتخاب آن‌ها در سطح جامعه نادیده انگاشته

(کرییر، ۱۳۸۹، ۳۰) که اقدامات او نسبت به شهر در طول زمان، منطبق بر الگوهای اجتماعی و منطقه‌ای شرایطی را فراهم می‌آورد تا بافت مسکونی شهر به‌صورت طبیعی، هماهنگ و براساس نیاز و خواست مردم خود شهر رشد و توسعه نماید. حال آن‌که ظهور مدرنیته روابط فوق را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و در نتیجه آن توسعه شهرها متفاوت از گذشته می‌شود. از این دوره به‌بعد برای اولین بار شاهد آن هستیم که سیاست‌ها و طرح‌هایی آینده‌نگرانه توسط طبقه نخبه و بدون مشارکت عامه در ارتباط با بافت مسکونی اتخاذ می‌شود که در ادامه، این نوشته مثال‌هایی از این سیاست‌ها را بررسی می‌کند:

برنامه سوم عمرانی (۴۶-۱۳۴۲)

با افزایش جمعیت کشور و تمرکز آن در مراکز شهری و رشد شهرنشینی به ویژه در طول دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی، طبقه نخبه بنابر شرایط و نیازهای موجود در کشور، نخستین سیاست‌ها در زمینه توسعه بافت مسکونی را ارائه می‌دهد. از این‌رو در برنامه سوم عمرانی، اولین گام در زمینه سیاست‌گذاری‌های شهری برداشته می‌شود. این سیاست‌گذاری‌ها تا قبل از انقلاب در غالب دو برنامه عمرانی چهارم و پنجم پیگیری می‌شود و بعد از انقلاب نیز در چارچوب برنامه‌های توسعه ادامه می‌یابد.

اولین برنامه عمرانی در کشور که به وضوح به موضوع توسعه شهری و نیاز به آن توجه می‌کند، برنامه سوم عمرانی قبل از انقلاب است. در این دوره به‌دلیل افزایش جمعیت شهرنشین ناشی از روند مهاجرت، احداث خانه‌های سازمانی و اسکان گودنشینان و آلودگنشینان در قالب احداث مساکن ارزان مورد توجه قرار می‌گیرد (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۷۵، ۵۵)، از طرف دیگر برای سرعت‌بخشیدن به این سیاست‌ها، پرداخت تسهیلات خرید یا ساختن خانه برای طبقات مختلف از طریق نظام بانکی ارائه می‌شود (شاهرخی‌فر، ۱۳۹۵، ۷۶). اجرای این سیاست‌های توسعه شهری در برنامه سوم، سبب می‌شود که بافت‌های مسکونی یک طبقه در شهرها افزایش یابد و به‌دنبال آن هزینه‌های تأسیسات شهری مورد نیاز برای آنها، به همان میزان افزایش یابد و شهرها دچار گسترش بی‌تناسب شوند. از طرف دیگر، نبود استاندارد مشخص برای خانه‌سازی سبب اغتشاش در شهرها می‌شود (علوی، صمدی و بناری، ۱۳۹۷، ۸۷۱) که در نتیجه آن بافت مسکونی سنتی شهرها کم‌کم از حالت ارگانیک خارج می‌شود و هر بخشی از شهر به یک صورت توسعه می‌یابد.

می‌شود. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ما شاهد آنیم که بسیاری از مظاهر نوگرایی و مدرنیته که از حدود صد سال پیش از آن در ایران شکل گرفته بودند مورد تهاجم شدید قرار می‌گیرند (وحدت، ۱۳۹۲). اصولاً مدرنیته در این دوره به عنوان یکی از عناصر تمدن غربی شناخته شده و به همین جهت به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. با این‌حال در نظر گرفتن این نکته می‌تواند بسیار ارزشمند باشد که این انتقادات عمدتاً مظاهر مدرنیته در جامعه را هدف قرار می‌دهند. اندیشه انقلاب اسلامی در واقع واکنشی مستقیم و غیرمستقیم به گفتمان مدرنیته و نتایج سیاست‌های آن بود که در دوره پهلوی به اجرا درآمده بودند اما با بررسی عمیق‌تر باید اشاره کرد که انقلاب اسلامی در عین مخالفت و معاضدت با مدرنیته و مظاهر آن در جامعه ایرانی، به‌شدت متأثر از همان گفتمانی است که با آن مخالفت داشت (وحدت، ۱۳۹۵، ۲۰۰ و ۱۹۹). در این دوره در واقع مدرنیته‌ای تحول‌یافته از اندیشه‌های اسلامی یا به‌عبارت‌دیگر مدرنیته اسلامی پدید می‌آید که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن مفهومی است تحت عنوان ذهنیت با واسطه. در این مفهوم ذهنیت انسان وابسته به ذهنیت خداوند است از همین رو او نیاز به ذهنیت انسانی دارد که براساس صفات خداوند متعال برای بخش‌های مختلف زندگی او سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری نماید که در نتیجه این اندیشه در این دوره نوعی دیگر از یک‌جانبه‌گرایی با صورتی دیگر در بین طبقه نخبه جامعه پدید می‌آید که منجر به انفعال عامه مردم در عرصه‌های سیاست‌گذاری می‌شود.

بحث: سیاست‌های اتخاذ شده در شهرسازی

شهرهای سنتی ما محصول یک‌جانشینی گروهی از انسان‌ها و تکامل مفاهیم بنیادین اذهان آنان است (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۱) که می‌توان آن‌ها را به عنوان آینه‌ای بیانگر از روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و آیینی مردمان در یک محدوده زمانی- مکانی مشخص در نظر گرفت. در این شهرها معمار و شهرساز سنتی به عنوان فردی که دارای مهارت ساختن و خلق کردن فضاست، با پس‌زمینه‌های ذهنی مشترکی با سایر مردم تلاش می‌کند بر اساس کثرت‌گرایی و توجه به ارزش‌ها جامعه و اصول زندگی آنان در شهر مداخله نماید. از همین رو معماری و شهرسازی در گذشته به عنوان فعالیت عالی اخلاقی که با مسئولیت و وجدان شخصی، توجه به خدا، شناخت حقیقت، رعایت حق‌الناس، انصاف، زیبایی، مقیاس و تناسبات سروکار دارد و باید در برابر هوس‌ها، فزون‌خواهی و استبداد گروهی خاص حاکم بر جامعه مقاومت کند در نظر گرفته می‌شده است

برنامه چهارم عمرانی (۵۱-۱۳۴۷)

ساختمان‌سازی در مقابل ناکارایی بخش کشاورزی در این دوره بسیار چشمگیر است (علوی و همکاران، ۱۳۹۷، ۸۷۳).

برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸)

با وقوع انقلاب، سیاست‌های شهرسازی دوره پهلوی تا سال ۱۳۵۹ با همان ساختار و سیاست‌ها ادامه پیدا می‌کند؛ اما نیاز به بازسازی‌های حاصل از جنگ در شهرهای جنگ‌زده و نیز رشد جمعیت کشور که از دوران قبل از انقلاب سیر صعودی خود را آغاز کرده بود نیاز به تعیین سیاست‌های جدید در این دوره را الزامی می‌کند. در این برنامه، اولین سیاست‌های بعد از انقلاب در زمینه توسعه شهری ارائه می‌شود. با بررسی سیاست‌های این برنامه باید اذعان نمود که این برنامه همچنان به دنبال پاسخگویی به نیازهایی هستند که از دوران قبل از انقلاب در زمینه شهرسازی و مسکن پدید آمده بودند و به همین جهت سیاست‌های مشابهی را به دوره‌های قبلی ارائه می‌دهد. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تشویق بخش خصوصی-تعاونی و سازمان‌های مالی به تولید انبوه واحد مسکونی و اعطای تسهیلات ویژه برای سازندگان مسکن استیجاری اشاره کرد. از طرف دیگر به دلیل پایان یافتن جنگ، اولویت‌دادن به مناطق جنگ‌زده و بازسازی آنها به دیگر سیاست این برنامه بدل می‌شود. متأسفانه در این برنامه سیاست مشخصی برای جلوگیری از رشد مسکن غیررسمی تعیین و هدف‌گذاری نمی‌شود. این بازه از نظر زمانی تقریباً مصادف با شکل‌گیری پدیده اسکان غیررسمی در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ است که در این دوران به سرعت در حال شکل‌گیری و گسترش بودند. همچنین مشکلات مربوط به بافت‌های فرسوده شهری نیز در این برنامه نادیده گرفته می‌شود و ضوابط و مقرراتی در جهت ساماندهی آن ارائه نمی‌شود (همان، ۸۷۴).

برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴)

مهم‌ترین محورهای برنامه دوم توسعه شهری انبوه‌سازی و توجه به توسعه درونی شهرها است. در سال ۱۳۷۳ و در راستای سیاست‌های ذکر شده، طرحی به عنوان تعیین نقاط مناسب توسعه بافت مسکونی تهیه می‌شود که مهم‌ترین اهداف آن عبارتند از هدایت و حمایت بخش خصوصی و مصرف‌کننده برای سرمایه‌گذاری در بافت موجود شهری، احداث خانه‌های سازمانی در بافت‌های فرسوده با استفاده از اعتبارات بخش خصوصی، ایجاد الگوی مناسب مسکن اقتصادی در شهرها و پاک‌سازی اطراف آثار باارزش تاریخی در بافت قدیم طبق ضوابط سازمان میراث

سیاست‌های این دوره را تقریباً می‌توان در امتداد سیاست‌های برنامه سوم عمرانی ارزیابی کرد. آنچه در برنامه چهارم بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از توسعه و ایجاد بافت‌های مسکونی شهری توسط بخش خصوصی و ایجاد شرایط مساعد برای تجهیز سرمایه‌های خصوصی در این زمینه و توجه به تأمین نیاز مسکن بخش کم‌درآمد جامعه. از همین‌رو این سیاست‌ها عمدتاً حول دو محور متفاوت متمرکز می‌شود. هدف اول افزایش مترهاژ واحدهای مسکونی به منظور داشتن صرفه اقتصادی برای بخش خصوصی و دیگری ساخت خانه‌های حداقلی و ارزان‌قیمت برای طبقات کم‌درآمد مانند کارگران، کارمندان و حاشیه‌نشین‌ها. در نتیجه این سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته در طی برنامه چهارم عمرانی فعالیت‌های ساختمانی و ساختمان‌سازی با رونق بی‌سابقه‌ای مواجه می‌شود که به نوسازی محلات قدیمی شهرها در چارچوب طرح‌های جامع شهری، تشویق آپارتمان‌سازی و احداث مجتمع‌های مسکونی، ساختن خانه‌های ارزان‌قیمت برای زاغه‌نشین‌ها و آلودکن‌نشین‌هایی که در حومه شهرهای بزرگ پراکنده منتهی می‌شود (همان، ۸۷۱).

برنامه پنجم عمرانی (۵۶-۱۳۵۲)

این برنامه را از نظر سیاست‌گذاری در زمینه شهرسازی باید در راستای دو برنامه قبلی طبقه‌بندی کرد؛ با این تفاوت که در این دوران ما شاهد افزایش قیمت جهانی نفت در دهه پنجاه و افزایش درآمدهای حاصل از آن در کشور هستیم. در این دوره دو سیاست بارز در برنامه چهارم عمرانی، یعنی افزایش مترهاژ در واحدهای مسکونی و تشویق بخش خصوصی و ساخت مسکن کوچک و ارزان‌قیمت در قالب خانه‌های اجاره‌ای به شرط تملیک و خانه‌های سازمانی کارگران و کارمندان از طریق برنامه کمک‌های اعتباری از طریق دولت برای تأمین مسکن با شدت بیشتری دنبال می‌شود. از مهم‌ترین نتایج این سیاست‌ها می‌توان به توسعه بافت‌های مسکونی به صورت مجتمع آپارتمانی، ایجاد شهرک‌های اقماری و کوی‌های مسکونی کارگری در نزدیکی شهرهای بزرگ (پورمحمدی و اسدی، ۱۳۹۳، ۱۷۵) اشاره کرد. از طرف دیگر به دلیل تزریق درآمدهای نفتی به شهرها و علی‌رغم تلاش برای تقویت بخش خصوصی در امر توسعه شهرها، در این دوره ما با سلطه زمین‌خواران و سرمایه‌داران به سبب افزایش سود حاصل از فعالیت‌های ساخت‌وساز و رونق بورس‌بازی و تبدیل زمین و مسکن به کالا مواجه هستیم که این امر زمینه مهاجرت روستاییان به شهر را سبب می‌شود؛ زیرا سود حاصل از فعالیت‌های

در روند پروژه بود، از همین رو سعی می‌شود که با تعریف تعاونی‌های مسکن که عمدتاً متشکل از طبقه عامه جامعه بودند این فرصت فراهم شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با ورود مدرنیته به ایران شاهد فعل و انفعالاتی هستیم که در نتیجه آن شکافی بین طبقه نخبه و عامه جامعه پدید می‌آید و جامعه سنتی ایران را از همگرایی در اندیشه‌ها، به واگرایی در جهان بینی وا می‌دارد. نکته حائز اهمیت در ارتباط با این رویارویی، توجه شدید نخبگان جامعه در دوره‌های مختلف به مظاهر مدرنیته مانند فن‌آوری مدرنیته و پیشرفت‌های صنعتی آن و ... است. گرچه این توجه در برخی دوره‌ها مانند قاجار و پهلوی در جهت موافقت با آن بروز می‌یابد و در دوره بعد از انقلاب در جهت مقابله با آن (تصویر ۱)؛ اما باید این نکته را نیز بیان نمود که دیگر مظاهر مدرنیته مانند جنبه‌های سیاسی-اجتماعی آن و به‌ویژه نهادهای دموکراتیک، متأسفانه کمتر مورد توجه نخبگان جامعه واقع می‌شود. بیان این نکته حائز ارزش است که مدرنیته در کشورهای غربی علاوه بر پدیدآوردن پیشرفت‌ها در زمینه‌های گوناگون، تلاش می‌کند ساختارها و نهادهایی نوینی را پدید آورد که به واسطه آن مردم از حق مشارکت در اداره امور کشور برخوردار باشند. اما این ساختارهای مدرن از بدو ورود مدرنیته به ایران به دلایلی مورد توجه قرار نمی‌گیرند و آن چنان توسعه نمی‌یابند. حتی انقلاب اسلامی که اساساً مدرنیته را مورد انتقاد قرار می‌دهد، تنها توجه خود را به مقابله با مظاهر آن در دوره‌های گذشته معطوف می‌کند. در نتیجه عدم توجه به این ویژگی، از بدو ورود مدرنیته به جامعه سنتی ایران طبقه نخبه متأثر از مدرنیته که باتوجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم در هر دوره خود را به عنوان قیوم، روزی‌بخش و تصمیم‌گیرنده تمام امور می‌شناسد یک‌جانبه‌گرایی و عدم توجه به ساختارهای دموکراتیک را در پیش می‌گیرد که این رویکرد بر تمام سیاست‌گذاری‌های آنان از جمله در زمینه توسعه بافت‌های مسکونی شهری تأثیر می‌گذارد.

تا قبل از مدرنیته، شهرسازی سنتی امری حاصل از مشارکت بین حکومت‌ها و مردم بود. به این صورت که حکومت‌ها به عنوان طبقه نخبه فقط زیرساخت‌ها و نقاط شاخص شهری مثل بازار، دروازه، پل و ... احداث می‌کردند و در ادامه مردم شهر بنابر شرایط طبیعی فرهنگی، محیطی و اقلیمی به ساخت و توسعه بافت‌های مسکونی در کنار و پیرامون این اندام‌های شاخص شهری اقدام می‌ورزیدند. از این رو حکومت‌ها هرگز به‌صورت مستقل برای بافت‌های مسکونی

فرهنگی، احداث بنا در اراضی اضافه برای تأمین هزینه پاک‌سازی و احیای این‌گونه بافت‌ها و تشویق شهروندان به سکونت در آنها (همان، ۸۷۵).

برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹)

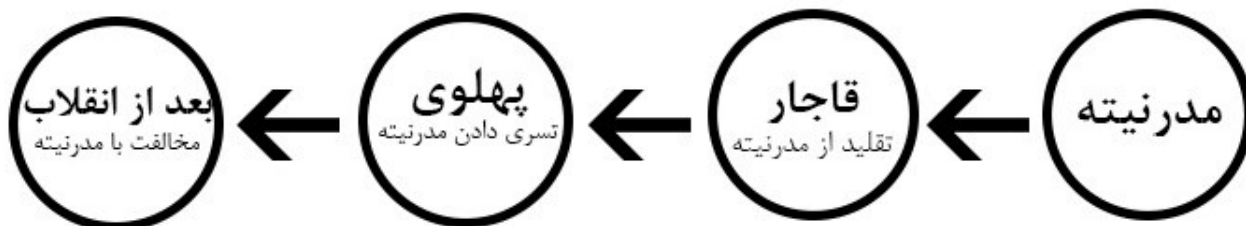
سیاست‌های این برنامه عمدتاً به اهداف حمایتی در راستای توسعه شهری معطوف می‌شوند و اقداماتی در همین راستا انجام می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد و مقابله با حاشیه‌نشینی، پرداخت تدریجی تسهیلات بانکی به منظور ساخت مسکن برای گروه‌های کم‌درآمد جامعه، ایجاد بازار ثانویه و امکان خرید و فروش اوراق مشارکت بخش مسکن در بازار بورس به منظور رونق بخشیدن به فعالیت‌های ساختمانی، اصلاح مقررات مربوط به پرداخت یارانه بخش مسکن در جهت ترویج الگوی مصرف مسکن، قانون مسکن استیجاری در جهت کاهش تدریجی دخالت دولت و افزایش حضور بخش خصوصی در نهادهای محلی، حمایت از تولیدکنندگان واحدهای مسکونی کوچک با تأکید بر مجتمع‌سازی و انبوه‌سازی.

برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴)

در این برنامه به جهت مهار بحران روند روبه‌رشد قیمت مسکن که از دهه گذشته آغاز شده بود سیاستی دنبال می‌شود که در صدد است تا با کاهش بخش عمده قیمت مسکن، توانایی خرید برای اقشار کم‌درآمد جامعه ایجاد کند. این سیاست با عنوان زمین صفر، به طرح مسکن مهر منتهی می‌شود. در قالب این طرح حق بهره‌برداری ۹۹ ساله زمین و اجاره‌داری پنج ساله مسکن مهر، به اقشار کم‌درآمد اعطا می‌شود تا از این طریق صاحب خانه شوند. مهم‌ترین ویژگی طرح زمین ۹۹ ساله اجاره‌ای حذف قیمت زمین از قیمت تمام‌شده است. در این طرح، دولت علاوه بر حذف قیمت زمین با پرداخت تسهیلات تلاش می‌کند که درصدی از هزینه‌های آماده‌سازی و ساخت را به واجدین شرایط پرداخت کند تا قیمت تمام‌شده واحد مسکونی را پایین نگه دارد. در اهداف کلی طرح مسکن مهر کمک به تأمین مسکن اقشار کم‌درآمد، کاهش نابرابری در برخورداری از مسکن مناسب، بهبود و ارتقای معیارهای زیست‌محیطی، جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت زمین و مسکن، جلوگیری از توسعه حاشیه‌نشینی و ارتقای عدالت اجتماعی مورد نظر قرار می‌گیرد (خلیلی، نورالهی، رشیدی و رحمانی، ۱۳۹۳). در این طرح ایده اصلی ایجاد شرایطی برای مشارکت مردم و احترام به حق انتخاب آنها

جامعه محسوب می‌شده است. اما در سیاست‌گذاری‌های این حوزه برای رفع این نیازها، انبوه‌سازی خانه، سرمایه‌گذاری توسط حکومت‌ها و بخش خصوصی در زمینه شهرسازی و اعطای تسهیلات در جهت توسعه و نوسازی بافت‌های مسکونی، معمولاً به عنوان مهم‌ترین اقدامات در این برنامه‌ها اشاره شده‌اند. این سیاست‌های توسعه شهری که در واقع متأثر از تأثیرات مدرنیته بر طبقه نخبه و جریان‌های مدرنیستی نسبت به شهرسازی است، برخاسته از نگاهی است که به شهر به عنوان یک بنگاه اقتصادی می‌نگرد که در آن زمین و مسکن یک کالای ارزشمند به حساب می‌آیند. از همین رو این سیاست‌ها بیش از آنکه به عقبه مشارکت و کثرت‌گرایی در شهرسازی سنتی بپردازد، به نوعی رویکردهای سرمایه‌داری و یک‌جانبه‌گرایی در توسعه شهری را ترویج می‌دهد که در نتیجه آن مردم را به دلیل توان اقتصادی محدود نسبت به طبقه نخبه و سرمایه‌دار از روند سیاست‌گذاری‌های شهری خارج می‌کند. در تمامی برنامه‌های مورد مطالعه قرار گرفته نمی‌توان نقشی برای مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌طور مشخص در سیاست‌گذاری‌ها مشاهده کرد، حتی در برنامه چهارم توسعه نیز که به نوعی به نقش مردم در روند توسعه بافت‌های مسکونی و ایجاد تعاونی‌ها توجه می‌شود تنها تمرکز خود را به مشارکت مردم در موضوعات اقتصادی آن معطوف می‌کند؛ و اساساً در موضوعاتی نظیر مکان‌گزینی پروژه‌ها، طراحی و ... به نقش مردم و حق آنها در توسعه بافت‌های مسکونی شهری توجهی نمی‌شود. شاید بتوان این امر را به سبب ضعف و عدم توسعه نهادها و ساختارهای دموکراتیک پس از ظهور مدرنیته تفسیر نمود که منجر به خارج شدن مردم از فرایند سیاست‌گذاری‌های شهری شده است و روند تدریجی تکامل شهرها توسط طبقه عامه که تا پیش از ظهور مدرنیته در شهرهای سنتی برقرار بود را خدشه‌دار می‌کند.

شهری تا دوره قاجار تصمیم‌گیری نمی‌کنند. این عدم دخالت در بافت‌های مسکونی به خوبی در ساختار شهرهای سنتی ما مشهود است. به‌صورتی که همواره بخش‌هایی از شهر که به‌وسیله حکومت‌ها احداث می‌شدند از یک هندسه رسمی تبعیت می‌کنند؛ اما بخش‌هایی که به‌وسیله خود مردم احداث می‌شدند یک هندسه ارگانیک را شکل می‌دهند. از طرف دیگر همان‌طور که پیشتر بیان شد، معماری و شهرسازی در گذشته به عنوان یک عمل اخلاقی شناخته می‌شد که بایستی حق‌الناس و کثرت‌گرایی در آن در نظر گرفته شود و در برابر استبداد گروهی خاص و فزون‌خواهی آنها در شهرسازی ایستادگی نماید. همین موضوع گواهی است بر این واقعیت که اکثر معماران و شهرسازان سنتی علاوه بر مهارت ساختن و معماری کردن، از دیدگاه‌های فلسفی برخوردار بودند که هرگونه یک‌جانبه‌گرایی در شهرسازی را مردود می‌شمردند. این دیدگاه با ظهور مدرنیته همچون دیگر ساختارهای فکری و جهان‌بینی سنتی به تدریج از بین می‌رود و دیدگاه‌های یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی به جای آن رواج پیدا می‌کند. با افزایش جمعیت شهرنشین و نیاز به توسعه هرچه سریع‌تر بافت‌های مسکونی، روند تدریجی توسعه بافت‌های مسکونی که معمولاً توسط مردم انجام شد توسط طبقه نخبه کنار گذاشته می‌شود و نیاز به سیاست‌گذاری در ارتباط با بافت‌های مسکونی شهری توسط طبقه نخبه مورد توجه قرار می‌گیرد. با بررسی سیاست‌های توسعه شهری از ابتدای امر تا دهه گذشته که در چارچوب برنامه‌های عمرانی و توسعه کشور که توسط حکومت‌ها و طبقه نخبه ارائه شده است، باید اذعان نمود که رشد شهرنشینی و نیاز جمعیت شهرنشین به مسکن، تأمین مسکن اقشار آسیب‌پذیر مانند حاشیه‌نشینان و اقشار کم‌درآمد نظیر کارگران و کارمندان تقریباً در تمام این برنامه‌ها به عنوان هدف توسعه شهری و شهرسازی مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این رو می‌توان گفت که این نیازها همواره یکی از دغدغه‌های مهم طبقه نخبه



تصویر ۱: نحوه برخورد نخبگان جامعه با مدرنیته در دوره‌های مختلف تاریخی. مأخذ: نگارنده.

پی‌نوشت

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «باز طراحی منظر شهری شوشتر نو» است که به راهنمایی دکتر «سیدامیر منصوری» در سال ۱۳۹۷ در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ارائه شده است.

فهرست منابع

- آقاجری، سیدهاشم. (۱۳۸۰). دیالوگ سنت و مدرنیته. آبان، (۱۷)، ۳۵-۴۴.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۴). معماری معاصر ایران در تکاپوی بین سنت و مدرنیته. چاپ ششم، تهران: هنر معماری قرن.
- بحرینی، سیدحسین. (۱۳۹۴). تجدد، فرا تجدد و پس از آن در شهرسازی. چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۲). معماری اسلامی ایران. چاپ نوزدهم، تهران: سروش دانش.
- پورمحمدی، محمدرضا و اسدی، احمد. (۱۳۹۳). ارزیابی پروژه‌های مسکن مهر شهر زنگان. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، (۳۳)، ۱۹۲-۱۷۱.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۳). از شار تا شهر. چاپ پانزدهم، تهران: دانشگاه تهران.
- حسین‌زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۵). مصرف مسکن در ایران از دیروز تا امروز. زبان و ادبیات فارسی، ۲۹ (۱۶۰ و ۱۶۱)، ۷۴-۵۳.
- خلیلی، احمد؛ نورالهی، حانیه؛ رشیدی، نعیمه و رحمانی، مریم. (۱۳۹۳). ارزیابی سیاست‌های مسکن مهر در ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن. مطالعات شهری، (۱۳)، ۹۲-۸۳.
- شاهرخی‌فر، زینب. (۱۳۹۵). تحلیل تطبیقی سیاست‌های اجرایی بخش مسکن در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب (شهر کرمانشاه). پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- طالبیان، احمد؛ حجت، عیسی و فرضیان، محمد. (۱۳۹۳). کوی‌های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، (۱)۱۹، ۲۳-۳۲.
- صارمی، علی‌اکبر. (۱۳۷۴). مدرنیته و تأثیر آن بر طراحی معماری و شهرسازی ایران. گفتگو، (۱۰)، ۵۷-۶۹.
- علوی، علی؛ صمدی، محمد و بناری، سجاد. (۱۳۹۷). ارزیابی نقاط ضعف و قوت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مسکن در ایران (برنامه‌های عمرانی قبل و بعد و توسعه بعد از انقلاب). جغرافیا و روابط انسانی، (۲)، ۸۸۹-۸۶۵.
- علوی‌پور، سیدمحسن. (۱۳۹۵). مدرنیته و مواجهه فکری ایران با آن. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۴)۱۶، ۱۵۲-۱۳۳.
- قبادیان، وحید. (۱۳۸۳). معماری در دارالخلافة ناصری: سنت و تجدد در معماری معاصر ایران. تهران: پشوتن.
- کرییر، لئون. (۱۳۸۹). معماری اختیار یا سرنوشت. ترجمه: گروه مترجمان، زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری. منظر، (۹)، ۳۰-۳۳.
- وحدت، فرزین. (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و مدرنیته ایرانی. قابل دسترس در: http://www.bbc.com/persian/iran/2014/02/140128_144 thirtyfifth_anniversary_iranian_revolution-modernity. (تاریخ دسترسی آبان ۱۳۹۷).
- وحدت، فرزین. (۱۳۹۵). رویارویی فکری ایران با مدرنیته. ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه. تهران: ققنوس.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مقصودی، امین. (۱۳۹۸). یک‌جانبه‌گرایی مدرنیستی و سیاست‌های توسعه شهری ایران معاصر. منظر، (۱۱)، ۴۸-۱۳.

DOI: 10.22034/manzar.2019.192557.1977

URL: http://www.manzar-sj.com/article_93271.html

